



تأثیر مؤلفه‌های سلوک عرفانی بر نظام‌مندی و ایجاد آرامش روانی در خانواده و انعکاس آن بر نگاره‌های اسلامی

معصومه مؤمنی‌زاده ^۱ ID، علی فتح‌الهی ^۲ ID، حسین فلسفی ^۳ ID

^۱ گروه ادیان و عرفان، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. Momenizade.masoomeh@yahoo.com

^۲ (نویسنده مسئول) گروه ادیان و عرفان، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. Ali.Fathollahi@yahoo.com

^۳ گروه فلسفه و حکمت اسلامی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. Falsafihosein1398@yahoo.com

چکیده

خانواده اساس اجتماع، اولین سلول سازنده زندگی جمعی انسان، خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ و ارتقای سنت‌ها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. بی‌شک شالوده استوار پیوندهای اجتماعی و روابط خویشاوندی در بروز و ظهور عواطف انسانی کانون خانواده است. عارفان متقدم و متأخر به اهمیت و نقش سازنده خانواده واقف بوده‌اند. آنان احکام، آداب و اخلاق خانوادگی را در حد لازم و کافی از منابع دینی، اخلاقی و عرفانی فراگرفته و مهارت‌های لازم را کسب کرده‌اند. عرفان در هنرهای اسلامی چون نگارگری نیز دارای جایگاه ویژه‌ای است. بنابراین مسئله مهم در این پژوهش نقش عرفان در نظام‌مندی خانواده و نگارگری اسلامی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که اهل سلوک ضمن مراعات حرمت اهل خانه اعم از همسر یا کودکان خود در توجه و تأمین بهداشت روانی و شادمانی آنان نیز اهتمام خاص ورزیده‌اند. عارفان در برقراری رابطه صمیمانه با همگان به‌ویژه با خردسالان کوشا بوده و در انجام بازی و هم‌کلامی با کودکان همچون خودشان ایفای نقش می‌کردند. در نگارگری اسلامی نیز سلوک عرفانی در قالب راز و نیاز و سماع و معراج قابل مشاهده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی تأثیر مؤلفه‌های سلوک عرفانی بر نظام‌مندی در خانواده.
۲. بررسی تأثیر مؤلفه‌های سلوک عرفانی بر نگاره‌های اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. تأثیر مؤلفه‌های سلوک عرفانی بر نظام‌مندی در خانواده چیست؟
۲. تأثیر مؤلفه‌های سلوک عرفانی بر نگاره‌های اسلامی چگونه است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۷۲۸ الی ۷۴۲

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

خانواده،
نظام‌مندی،
مؤلفه‌های سلوک،
عرفان عملی و عارفان،
نگاره‌های اسلامی.

ارجاع به این مقاله

مؤمنی زاده، معصومه، فتح‌الهی، علی، فلسفی، حسین. (۱۴۰۲). تأثیر مؤلفه‌های سلوک عرفانی بر نظام‌مندی و ایجاد آرامش روانی در خانواده و انعکاس آن بر نگاره‌های اسلامی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۷۲۸-۷۴۲.

 [dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.49.37.6](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.37.6)

 dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.28486.1597

مقدمه

نهاد خانواده و تأثیر تربیتی آن همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است. خانواده کانونی است که بذر هویت، فرهنگ و شخصیت هر فرد در آن پایه‌گذاری می‌شود. شناخت عواملی که به تحکیم بنیاد این نهاد مدد می‌رساند امری ضروری و بدیهی است؛ زیرا خانواده کانون اولیه و اصلی ساخت باورها، ارزش‌ها و اخلاق و شخصیت انسان و رشد و سلامت جسمی و روحی افراد است. محیط خانواده می‌تواند انسان را به تعالی و کمالات مادی و معنوی برساند و این در صورتی است که محیط خانواده مملو از اخلاق، سلامت، امنیت، آرامش و آسایش باشد. بر همین اساس، تفکر سکولار و لائیک با استفاده از ابزار و ماشین تکنولوژی مدرن می‌خواهد این مانع مهم و تأثیرگذار را از سر راه خویش بردارد تا جامعه را به فساد و تباهی بکشد. چون منافع خود را در دین‌زدایی، اخلاق‌زدایی، تخریب مقدسات و از بین بردن معنویات و ارزش‌ها می‌بیند (رودگر، ۱۳۹۶: ۲۱). با وجود اینکه عرفان گرایشی معنوی و یک تمایل باطنی انسانی است که در همه مکاتب و ادیان یافت می‌شود، و با آنکه ظرفیت سلوکی آن به جهت دشواریش تعمیم نداشته و ندارد، اما کاربست مؤلفه‌های اثر بخش آن در تعالی نظام خانواده بسیار مفید فایده خواهد بود. البته در سلوک عرفانی مورد نظر اسلام، رعایت حدود و ثغور شرع مقدس و اطاعت از اوامر و نواهی الهی برای صعود به مقامات معنوی، امری اجتناب‌ناپذیر است و در لزوم پای‌بندی به ظواهر شریعت برای دستیابی به باطن و حقیقت آن، هیچ جای تردید نیست (شریفی، ۱۳۹۳: ۴۹). بدون تردید، سالک عارفی که به قرب الی‌الله و مقام فنای فی‌الله چشم دوخته است، نه تنها باید به انجام واجبات و ترک محرمات پایبند باشد، بلکه بسیاری از مستحبات همراه با ترک مکروهات را باید در نظر داشته و به آن‌ها به چشم تکلیف الزامی عمل کند. در قرآن کریم هم بر زیست و سلوک معنوی تأکید شده است و فراوان در آیات بر عمل صالح، جهاد، استقامت، اطاعت از خدا و رسول، سرعت در کار خیر، لزوم تسلیم کامل در برابر مشیت الهی تکیه شده است. توجه به آیاتی که اوصاف مؤمنان، پرهیزکاران و صالحان را بیان می‌کند، نشان می‌دهد که نه ایمان بدون عمل صالح مفید است و نه عبادت و عمل صالح بدون ایمان. چنان‌که سرپیچی از اوامر و نواهی خداوند و نادیده گرفتن ضوابط و احکام او، بزرگ‌ترین عامل طرد و لعن الهی و دوری از ساحت قدس او خواهد بود و این قانون کلی و برای همه، حتی پیامبران است (فرزندوحی، احمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۰) در این نوشتار سعی می‌شود تأثیر و نقش مؤلفه‌های سلوک عرفانی مانند رضا، توکل، مراقبه، صبوری و عشق‌ورزی در ارتقای نظام خانواده بررسی شود و به بیان نقش تأثیرات مثبت و منفی این عوامل و متغیرها در بهبود فضای معنوی درون خانواده به تفصیل بپردازیم. از سوی دیگر، مسئله عرفان یکی از مضامین مهم در نگارگری اسلامی است بنابراین واکاوی آن در نگاره‌های برجای مانده از دوره اسلامی می‌تواند نکات مهمی را در این باره آشکار سازد.

با وجود آنکه در زمین تأثیر مؤلفه‌های سلوک عرفان بر ارتقای و ایجاد آرامش در فضای خانواده تحقیق مستقل و جامعی انجام نشده است اما در پاره‌ای از مقالات و نوشته‌ها اهمیت و نقش عرفان در بهبود حیات معنوی و زیست سالم اجتماعی به‌ویژه در چهارچوب خانواده مورد توجه قرار گرفته است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم. جوانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان: «تأثیر آموزه‌های عرفانی اسلامی بر نهاد خانواده» منتشر شده در نشریه اسلام‌پژوهی، شماره

چهارم نشان می‌دهد که آموزه‌های نظری عرفان در زندگی انسان در مواردی مانند: معنویت، وسعت دید، تغییر نگاه به زندگی و انسان‌ها، مخالفت با نفس، تزکیه نفس، مراقبه و محاسبه احوال و تأثیر صحبت نقش تربیتی داشته است. سلوک عملی عارفان علاوه بر تقویت و تداوم زندگی خانوادگی دستاوردهایی مانند آرامش باطنی، تلطیف روح، خوش‌خلقی، نشاط و شادی، اعتدال در معیشت و غیرت‌ورزی را به‌دنبال داشته است. فرزند وحی و احمدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان: «جایگاه حقوق و اخلاق در خانواده از منظر قرآن و روایات» نتیجه می‌گیرد که اجرای احکام حقوقی در خانواده، حافظ نظم خانواده به‌عنوان جزئی از جامعه است و همچنین شناخت احکام اخلاقی خانواده و عمل به آن‌ها، محبت خانوادگی را سالم و بارور نگاه می‌دارد و در سایه باروری نهال محبت، نظم خانوادگی استوار می‌ماند. خامنه‌ای (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با موضوع «حکمت متعالیه و تدبیر خانواده» منتشر شده در مجموعه مقالات یازدهمین و دوازدهمین همایش بزرگداشت حکیم صدرالمآلهین شیرازی، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا به تبیین چگونگی نظام خانواده در متون وحیانی و حکمی می‌پردازد. شمشیری (۱۳۹۱) در مقاله «عرفان اسلامی و دلالت‌های آن در حیطه روانشناسی ازدواج و خانواده» در نشریه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، نشان داده است که ازدواج و خانواده محملی برای سیر عشق از مجاز به حقیقت می‌باشد. مطابق با نگاه عرفان اسلامی، بنیان ازدواج و تشکیل خانواده، ناشی از عشق و رشد آن است. عارفان تصریح دارند که عشق در ازدواج و خانواده، بستر مناسبی برای آگاهی از توجه به دیگری را فراهم می‌آورد.

۱. چگونگی نگاه قرآن و عرفان به نظام خانواده

خانواده در لغت به معنای دودمان و تبار است (دهخدا، ذیل واژه خانواده) قرآن برای بیان مفهوم خانواده از واژه‌های «اهل» (تحریم، ۶) و «اولو الأرحام» (انفال/۷۵) استفاده برده است. قرآن کریم شکل‌گیری خانواده را از آیات الهی دانسته و در بیان هدف تشکیل نظام خانواده بر آرامش ناشی از آن تأکید دارد: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها» (روم/۲۱) (و از نشانه‌های او اینکه از اینک از (نوع) خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید). عارفان مسلمان به سبب شرع‌مداریشان آن ارج خاصی قال هستند. فیض کاشانی می‌گوید: «خانواده مرکز ولایت و نور خداست و به تعبیر امام باقر (ع) خانواده مرکز تجمع محبت و مودت است» (فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۲۰۱).

قطب‌الدین عبادی آورده‌اند که پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند: «النکاح سنتی»؛ ازدواج سنت من است و نفرمود: نکاح سنت اسلام است؛ یعنی من اسوه و الگو شما هستم: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (احزاب/۲۱) پس شما هم از من پیروی کنید و زندگی من و همسر خدیجه (س) را الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهید، چنان‌که پیامبر (ص) در مورد مقام حضرت خدیجه (س) فرمود: «وقتی جبرئیل (ع) بر من نازل می‌شد می‌فرمود: خداوند به خدیجه سلام می‌رساند» (العبادی، ۱۳۷۴: ۱۳۴). انسان عارف، خانواده را مجموعه اسماء و صفات علیای خدا می‌داند؛ یعنی اگر ما را در زندگی خودمان بتوانیم معارف معنوی را حاکم کنیم، مظهری از جلوه‌های اسماء خدا شده‌ایم و خانواده‌ای که بتواند مرکز بروز تجلیات نفس رحمانی خدا گردد، جلوه‌ای از اسماء خدا می‌شود. به‌عبارت دیگر، انسان عارف با

تلاش و مجاهدت خود می‌کوشد تا در مسیر توحید صمدی گام بردارد و اگر احیاناً از اساتید خود دستورالعمل‌هایی دریافت می‌کند برای این است که از القائنات سبوحی و قدوسی آنان بهره‌مند شود. بنابراین تمام دستورالعمل‌ها از جانب سفیران خدا به آیات انفسی عارف برگشت می‌کند و آنچه که مربوط به زندگی عارف می‌شود شناخت آیات انفسی عارف است. نگاه عارف به طبیعت نگاه آفاقی است؛ اما به عیال و خانواده نگاه انفسی است (جوانی، ۱۳۸۹: ۱۰۹)؛ یعنی قرآن خانواده را از آیات انفسی خود می‌داند و انسان عارف نشانه‌های عظمت خداوند را در وجود اهل منزل می‌بیند.

مرحوم تبریزی خطاب به خانواده‌ها می‌گوید: زن و شوهر باید احترام یکدیگر را حفظ کنند؛ چون هر دو از آیات انفسی خداوند هستند و هیچ‌کدام حق بی‌احترامی به دیگری را ندارند؛ زیرا فرهنگ غنی اسلام زن و مرد را از آیات انفسی خدا می‌داند و جسارت مرد و زن را به یکدیگر اجازه نمی‌دهد. در مقابل عقل انسان پرده‌ای نصب شده که به پرده شرک و ناباوری مشهور است؛ اگر این پرده ناباوری و شرک را کنار بگذاریم آیات انفسی خداوند را درک می‌کردیم و در ما اثر می‌گذاشت (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۹).

۲. خانواده از دیدگاه عرفا

۲.۱. ازدواج و تشکیل خانواده در سلوک عرفانی

عرفا به فوائد ازدواج و تشکیل زندگی مشترک توجه کرده‌اند. به عقیده آن‌ها مجاهده با نفس، مسخر کردن بُعد حیوانی وجود و تداوم نسل آدمی پاره‌ای از آن فوائد است. درخصوص تأثیر ازدواج در تربیت نفس بر این عقیده هستند که چون ازدواج تکالیفی برای انسان در پی دارد، لذا انجام این تکالیف به خودسازی و تربیت وی سود می‌رساند. تأمین امر معاش خانواده، رنج کشیدن در راه اصلاح و تربیت انسان، کوشش برای تربیت فرزندان و اهتمام به اوضاع خانواده موجب می‌شود که انسان توأمان به اصلاح نفس خود و دیگری بپردازد. کسی که به اصلاح نفس خود و دیگری مشغول است نظیر کسی نیست که فقط نفس خود را آرام و آسوده می‌دارد. رنج تربیت اعضای خانواده به مانند جهاد در راه خدای تعالی است (غزالی، ۱۳۶۵: ۳۹). عرفا سازوکار پیش‌گیرانه برای تداوم زندگی خانوادگی پیش‌بینی کرده‌اند. آن‌ها به عوامل تحکیم مبانی خانواده توجه داشتند. به عقیده آن‌ها هنگام انتخاب همسر باید به دینداری، خوش خلقی، و اخلاق وی توجه کرد. همچنین ولی یک دختر نباید او را به فردی که به لحاظ دینی ضعیف یا بد اخلاق است، بدهد. چنانچه پدری دختر خود را به ظالم یا فاسقی بدهد بر دین خود خیانت ورزیده است و در معرض چشم خدای تعالی آمده است. از عبارات فوق، مشخص می‌شود که تعالیم عرفانی به کیفیت زندگی خانوادگی و تأثیر آن در ارتقای سطح معنوی زوجین اهتمام ویژه داشته‌اند (همان: ۸۸).

انصاری در رابطه با ازدواج می‌فرماید: مرید باید در ابتدای سلوک، ازدواج نکند چون همسر و فرزند ممکن است موانعی در راه او باشند. او فقط به یک شرط ازدواج را جایز می‌شمرد، این که شخص بتواند در عین همسر داشتن، همچون شخص بی‌همسر باشد؛ یعنی زندگی‌اش در حضور خداوند سپری شود (انصاری، ۱۳۷۹: ۲۹۷). شیخ رحمه‌الله در ارتباط با زن خواستن و ازدواج فرمودند: هر آنگاه که مصلحت در تأهل بیند بی‌دعوائی هوای نفس و بواعث رعونت طبیعی

مباشر آن شوند و سالک چون به مقام استقامت رسد، میان دل و نفس، عدل و سویت بنهد و صفحات روزگار ایشان، به نفاتح مساعی جمیل معین دارد و هر آن سالک که صبر کند بر عزوبت، تا آنگاه که به مقام منزل مردان رسد، حق تعالی هر آنچه مقصود او باشد از اسباب دنیا، وی را مهیا و مهنا گرداند و هر که تعجیل کند و از غایت شره و شبق زن خواهد، از منازل و مقامات مردان محروم ماند و از عزایم بازماند و طالب رخصت شود و ببايد دانست که رحمت از حضرت عزت است مر عامه مؤمنان را و تعجیل نمودن بر زن خواستن، غایت خسران و نقصان مرید مستعد خود را به زن خواستن مبتلا کند، او را حدث و حیض مردان خوانند. همچنان که زنان مستحاضه از نماز و طاعت بازمانند، او نیز به سبب زن از مقام و حال مردان محروم ماند (القشیری، ۱۳۹۱: ۳۲۰). سفیان ثوری رحمه گفت: زن بسیار خواستن نه از طلب دنیا است که امیرالمومنین علی رض زاهدترین جمله صحابه بود و او را چهار زن و هفده سریت بود. عبدالله عباس رض خیر امت بود و بسیار زن خواستی. عبدالله مسعود رض گفت: اگر عمر من ده روز بیش نمانده باشد، خواهم که در آن ایام زن خواهم که دوست ندارم که عذب به حضرت عزت رسم و حق تعالی در ذکر پیامبرانی کرده است که متأهل بوده‌اند (اصفهانی، ۷۱۰: ۲/۲۰۱).

۲،۲. ازدواج از نظر عرفا

غزالی نیز سه آفت برای تزویج و تأهل بیان می‌کند: آفت اول عاجز بودن از کسب حلال است و تأهل باعث شود که شخص برای کسب معیشت به حرام روی آورد. آفت دوم این است که نتواند حقوق آن‌ها را رعایت کند. آفت سوم این است که اهل و فرزند وی را از خدای تعالی مشغول گرداند و به طلب دنیا کشد و تدبیر معیشت فرزندان به بسیاری جمع مال و ذخیره کردن از برای ایشان و طلب تفاخر و تکاثر باشد (غزالی، ۱۳۸۶: ۴۸).

شیخ شهاب‌الدین سهروردی در ارتباط با تزویج و تأهل و آفات آن می‌نویسد: تزویج، بزرگ‌ترین حجابی است ارباب سلوک را از بهر آنکه زن خواستن، مایه تفرقه و اصل تشویش و ماده شرها و فتنه‌هاست. ابوسلیمان دارانی -رحمه- گفته است: هر آن کس که وجه تعیش طلب کند، یا زن خواهد، یا به کتابت حدیث مشغول شود، میل به دنیا کرده باشد و سالک را از سیر باز دارد. همچنین گفت که: هیچ‌کس از اصحاب ندیدم که چون زن خواست، بر آن مرتبت و منزلت خود بماند (سهروردی، ۱۳۷۵: ۲۰).

غزالی پس از نقل این احادیث در رابطه با مجرد اختیار کردن از زبان صوفیان نقل می‌کند: یکی از حکما گفت که اندکی عیال یکی از دو توانگری است، و بسیاری عیال یکی از دو درویشی است. ابوسلیمان دارانی را از نکاح پرسیدند، گفت: صبر کردن از زنان به از صبر کردن بر ایشان به از صبر کردن بر آتش و نیز گفت: یگانه تنها، از حلاوت عمل و فراغت دل، آن یابد که متأهل نیابد، که هیچ‌کس را از اصحاب خود ندیدم که نکاح کرد و بر مرتبه اول خویش بماند. و نیز گفت: سه چیز است، هر که آن را بطلبد به دنیا مایل شده باشد: طلب وجه معیشت و نکاح و نوشتن حدیث و حسن گفت: چون حق تعالی بنده را نیکویی خواهد، به اهل و مال مشغول نگرداند و این اشاراتی است به قول ابوسلیمان دارانی که هر چه تو را از خدای مشغول کند، از اهل و مال و فرزندان بر تو مشئوم است و احمد الحواری گفت که جماعتی در

این حدیث مناظره کردند و رأی ایشان بر آن قرار گرفت که معنی آن این است که اهل و مال که او را مشغول نگرداند (غزالی، ۱۳۶۵: ۵۱).

عزالدین محمود کاشانی هم تأکید می‌کند که: سالکان طریق حقیقت را در مبدأ سلوک از قطع علایق و محو عوایق و تمسک به عروه و ثقی عزیمت و تجنب از رخصت و موافقت طبیعت که شرط سلوک و ملاک سیر است چاره نیست. تزویج سبب تقید و التفات خاطر است به اسباب معیشت و موجب انحطاط از اوج عزیمت به حسیض رخصت و مظنه رغبت به دنیا و اثار طبیعت و عادت. تجرد از ازدواج و اولاد مدد جمعیت خاطر و صفای وقت و لذت عیش و فراغت طاعت و علو همت است. پس لازم بود سالک مجرد را مادام تا بر عزوبت و مقاومت نفس قدرت دارد که فراغت و جمعیت خاطر را غنیمتی بزرگ داشتن و بر صفای وقت و لذت حال خود غیور بودن تا بشئون اهتمام و تعلقات زن مکدر و منغص نشود (کاشانی، ۱۳۸۸: ۳۳).

۳. خانواده محور نفی رحمانی

خانواده آدمی؛ سلوک در این خانواده، تائبانه (توبه‌کننده) است. از تمام نفوذگاه‌ها و وسوسه‌های شیطانی، از تمامی گناهان و معاصی به سوی خداوند به صورت حقیقی بازگشت می‌کنند. در تمام خانواده‌های ترسیم‌شده در قرآن می‌توان ردپای نفوذ ابلیس در دل خانواده را مشاهده کرد (کرمانی، ۱۳۶۶: ۵۹-۶۱). در خانواده اسلامی کاملاً نسبت به دشمن مبین خود که دشمنی‌اش خبیثانه است، آگاهی و هوشیاری وجود دارد. چنانچه در روایات می‌بینیم که ابلیس در ماجرای قربانی شدن اسماعیل نبی(ع)، ابتدا به سراغ هاجر می‌رود و او می‌فرماید که خواب نبی خدا جز فرمان خداوند نیست و باید این کار انجام شود. بعد از این به سراغ فرزند خانواده، اسماعیل می‌رود و او نیز سر به فرمان خداوند می‌گذارد و می‌فرماید: «ان شاء الله که او مرا از صابران خواهد یافت.» این هنر «نه گفتن به شیطان» است (محمدبن منور، ۱۳۸۶: ۳۵).

۴. سیره عرفای مسلمان در تعامل با خانواده

مرحوم آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی با اعضای خانواده حتی خدمت‌گزاران برخوردی توأم با ادب و احترام داشت، به فرزندان خود حرمت می‌نهاد و آنان را عزیز می‌داشت. در خانواده سخت‌گیر نبود. ایشان شیوه و رفتار عبادی و غیرعبادی خود را بر دیگران تحمیل نمی‌کرد به اعضای خانواده شخصیت می‌داد، با آنان مشورت می‌کرد و می‌خواست که برای او استخاره بگیرند؛ مثلاً گاه از عروس خود یا از خدمتکار منزل می‌خواست برای ایشان استخاره کنند و بدین ترتیب آنان را گرامی می‌داشت (کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید: ۱۳۸۰: ۲۹). آیت‌الله کوهستانی همان‌طور که در مسائل مباح و حلال سخت‌گیری نمی‌کرد، اما اگر بی‌توجهی درباره مسائل شرعی و دینی در اعضای خانواده می‌دید تحمل نمی‌کرد و تذکر می‌داد و نصیحت می‌کرد، اگر مؤثر واقع نمی‌شد برای تنبیه مدتی به وی اعتنا نمی‌کرد. همچنین درباره نماز اهل خانه حساس بود تا نمازشان قضا نشود و گاهی اوقات شخصاً می‌آمد و اهل منزل را برای نماز صبح بیدار می‌کرد و اگر بیدار نمی‌شدند برای مرتبه دوم و سوم صدا می‌زد. درباره حجاب فرزندان و نوادگان خود توجه

ویژه‌ای داشت، حتی در مورد نوع بستن روسری بانوان منزل اعمال‌نظر می‌کرد تا طوری آن را بر سر کنند که حدود الهی حفظ گردد (عارف‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۱۰).

همسر مرحوم حاج شیخ اسدالله طیار نقل می‌کند: در منزل همیشه رسم‌شان بر این بود که کارهای منزل باید تقسیم شود و خود بعضی از کارها را شخصاً برعهده داشتند و در هر حال و هر ساعت از انجام آن کوتاهی نمی‌کردند. به‌عنوان مثال، هر زمان که میهمان داشتیم از یک نفر تا صد نفر بعد از میهمانی، شستن ظرف‌ها و مرتب و تمیز کردن آن‌ها را خود عهده‌دار می‌شدند و می‌فرمودند: «کارهای اصلی را شما انجام دادید، بقیه کارها با من» و آن قدر مرتب و تمیز کار انجام می‌دادند که جای هیچ گله‌ای باقی نمی‌ماند. در کارهای روزمره بسیار با سلیقه و با انضباط بودند. هرگز کارهای شخصی خود را به دیگران محوّل نمی‌کردند. حتی دوخت و دوز لباس را اگر نیاز به دگمه و یا چیزی داشت، با حوصله و سلیقه آن را انجام می‌دادند. بیشتر کسانی که به دیدنشان می‌آمدند از حسن خلق و سعه صدرشان بسیار تعریف می‌کردند. هر خواهش و تمنایی از ایشان داشتیم، هیچ‌گاه جواب رد نمی‌دادند و با خوشرویی و متانت آن را برآورده می‌کردند، یا اگر در حد توانشان نبود بسیار منطقی حل و فصل می‌کردند (هوشنگی و خادمی، ۱۳۹۳: ۳۶).

۵. اخلاق عرفانی و عشق به همسر

اخلاق عرفانی، اخلاقی است که براساس سلوک عارفانه، طی طریق و سیر در منازل معنوی و بر محور پیراستگی از رذایل یا پالودگی دل از آلودگی‌ها و آراستگی به فضایل از راه ریاضت و مجاهدت استوار است و در این مسیر، حرکت قلبی، درونی و مجاهدت و عمل یا معاملات قلبی ضروری است و تنها به حرکت فکری و عقلی بسنده نشده است؛ بلکه فراتر از عقل و سلوک عقلی، با تزکیه و سلوک باطنی و درونی برای آماده‌شدن دیدار جمال یار آینه وجود خویش را می‌سازد و خط سیر موجودات را به دو مسیر حرکتی قوس نزول و قوس صعود تبیین می‌کند. عارفان، حرکت در قوس نزول را سوقی و از برون و حرکت در قوس صعود را شوقی و از درون تلقی می‌کنند (مطهری، ۱۳۳۶: ۳۸). سالک کوی اخلاق بر مدار میزان معرفتش به خدای سبحان و طهارت روح به تدریج عاشق می‌شود و از عبادت بردگانه به عبادت تاجرانه و سپس عبادت آزادگانه راه می‌یابد. استاد مطهری در این مورد فرمود: «یعنی گروهی از مردم خدا را عبادت می‌کنند برای طمع در بهشت. این عبادت، از نوع تجارت است؛ تجارت پیشگی و معامله‌گری است. در اینجا کار می‌کند برای اینکه در آنجا سودی ببرد. گروهی عبادت می‌کنند از ترس جهنم. این‌ها کارشان شبیه کار بردگان است که از ترس شلاق ارباب کار می‌کنند. قوم دیگر عبادت می‌کنند نه به خاطر بهشت و نه به خاطر ترس از جهنم، بلکه سپاس‌گزارانه؛ یعنی خدای خودش را می‌شناسد، خدا را که شناخت، آنچه دارد، همه را از خدا می‌بیند و چون همه چیز را از خدا می‌بیند، حس سپاس‌گزاری او را وادار به عبادت می‌کند؛ یعنی اگر نه بهشتی باشد و نه جهنمی، همان شناختنش خدا را و حس سپاس‌گزاری اش او را وادار به عبادت می‌کند و این عبادت احراز و آزادگان است. آن اولی بنده طمع خودش است؛ دومی بنده ترس خودش است؛ سومی است که از قید طمع و ترس آزاد است و فقط بنده خداست» (مطهری، ۱۳۳۶: ۴۱).

برای تبیین و تحلیل مؤلفه عاشقانه بودن اخلاق عرفانی، ضروری است به توصیف و توصیه علامه طباطبایی در خصوص مسالک و روش‌های سه‌گانه اخلاق بپردازیم. ابتدا تعریف اخلاق را از نگاه علامه در تفسیر آیه «و انک لعلی خلق عظیم» به نظاره می‌نشینیم؛ آنجا که می‌نویسد: «کلمه خلق به معنای ملکه نفسانی است، که افعال بدنی مطابق اقتضای آن ملکه به آسانی از آدمی سر می‌زند؛ حال چه اینکه آن ملکه از فضائل باشد، مانند عفت و شجاعت و امثال آن، و چه از رذایل مانند حرص و جبن و امثال آن؛ ولی اگر مطلق ذکر شود، فضیلت و خلق نیکو از آن فهمیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵۰۰). ایشان در جایی دیگر نحوه و شیوه اصلاح اخلاق و تحصیل ملکات فاضله را در دو طرف علم و عمل توضیح داده و از سه روش و مسلک سوداگرایانه (روش فلاسفه یونانی)، آخرت‌گرایانه (روش انبیا) و محبت‌گرایانه (روش مختص قرآن کریم) در ساحت اخلاق بحث کرده که در حقیقت اخلاق توحیدی است. آنگاه علامه طباطبایی در نتیجه‌گیری بحث می‌نویسد: «علاوه بر اینکه مسلک اسلام از نظر نتیجه هم با آن دو مسلک دیگر فرق دارد؛ چون بنای اسلام بر محبت عبودی و ترجیح دادن جانب خدا بر جانب خلق و بنده است و معلوم است که محبت و عشق و شور آن بسا می‌شود که انسان محب و عاشق را به کارهایی وامی‌دارد که عقل اجتماعی، آن‌را نمی‌پسندد؛ چون ملاک اخلاق اجتماعی هم، همین عقل اجتماعی است و یا به کارهایی وامی‌دارد که فهم عادی که اساس تکالیف عمومی و دینی است، آن‌را نمی‌فهمد. پس عقل برای خود احکامی دارد و حب هم احکامی جداگانه» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۴۸).

۶. تأثیر سلوک عرفانی در نظام خانواده

۶.۱. آموزه محبت و عشق‌ورزی

از نظر عرفان عشق مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر نظام خانواده است. هرگاه نمک عشق در دریای زندگی کم باشد، موج‌های پر تلاطم ناخشنودی، نارضایتی و افسردگی وزیدن خواهد گرفت و تلخی حاصل از آن، کام اعضای خانواده را تلخ می‌کند. عشق به حق و همه مظاهر حق از دستاوردهای عظیم عرفان عملی است. عرفان عملی موجب وسعت‌نظر و شمول عشق و عاطفه نسبت به همه کس و همه چیز می‌گردد. کینه و بدبینی ناشی از کوتاه‌بینی و تضادها است؛ درحالی‌که در سرشت انسان، مهم‌ترین مؤلفه عشق است که خود بالاترین انگیزه همه کردارهای نیک است (بثربی، ۱۳۶۶: ۱۲). عامل دوم تأثیرگذار بر نظام خانواده خوش اخلاقی و گشاده‌رویی است. روایت شده که پاداش صبر زوج بر کج خلقی‌های زوجه‌اش نظیر پاداش ایوب در بلا است و پاداش صبر زن در کج خلقی شوهر نظیر پاداش آسیه زن فرعون است. همچنین خوبی خلق را به آن ندانسته‌اند که مایه رنج همسر نشوند بلکه رنج وی را مرتفع کردن، جزو خوبی خلق برشمرده شده است (غزالی، ۱۳۶۵: ۸۹). پاکیزگی سومین عامل تأثیرگذار در نظام خانواده است. در این باره غزالی بیان می‌کند: «در نکاح پنج فایده است: فرزند، شکستن شهوت، تدبیر خانه، بسیاری عشیرت و مجاهده نفس در قیام نمودن به حق ایشان». همچنین صحابه پیامبر (ص) کراهیت داشته‌اند که عذب بمیرند، تا معاذ را دو زن فرمان یافت در طاعون، و وی را نیز طاعون پدید آمد، گفت: مرا زن دهید پیش از آنکه بمیرم، که نخواهم که من عذب بمیرم (همان: ۳۰۳).

سهروردی نقل می‌کند که عبدالله بن مسعود، صحابی پیامبر (ص) گفته است: اگر عمر من ده روز بیش نمانده باشد، می‌خواهم که در آن ایام زن بگیرم، زیرا دوست ندارم که عزب به حضرت عزت رسم و حق تعالی در قرآن ذکر پیامبرانی کرده است که متأهل بوده‌اند. آورده‌اند که یحیای زکریا، از بهر سنت زن خواست اما نزدیکی وی نکرد (سهروردی، ۱۳۷۵: ۸۸). اعتدال در غیرت و معیشت هم از عوامل تأثیرگذار در نظام خانواده می‌باشد. در تأمین معاش خانواده باید دقت شود که از راه حلال تأمین شود. دوم اینکه در امر معاش خانواده نباید بسیار سخت گیر یا بی‌مبالا بود. پیامبر اکرم در مورد غیرت و ورزی بی‌جا می‌فرماید که خداوند دشمن و مخالف غیرت نابه‌جای مرد در حق همسرش می‌باشد (همان: ۱۹).

۶.۲. آموزه شکیب‌ورزی و صبر

براساس دستور قرآن کریم، هرگاه زن و شوهر خطا، اشتباه یا بدی از همدیگر دیدند، در وهله اول باید همدیگر را ببخشند، ولی قرآن کریم این بخشش و گذشت را کافی نمی‌داند و توصیه می‌فرماید که اساساً باید اشتباه یا بدی یکدیگر را نادیده بگیرند، به روی همدیگر نیاورند و علاوه بر اینکه به دل نمی‌گیرند، طوری رفتار کنند که گویی اتفاقی نیفتاده است. کینه‌توزی و به دل گرفتن و به‌خصوص به رخ کشیدن رفتارهای ناپسند اعضای خانواده بسیار مذموم است و در تعالیم اسلامی نکوهش شده است. در روایات می‌خوانیم که انسان کینه‌توز، به‌صورت شتر محشور می‌شود و معلوم است که تجسم عمل کینه‌توزی، این است که افراد کینه‌توز به شکل شتر وارد محشر شوند. همچنین اگر بین زن و شوهر در خانه نزاعی در گرفت و در اثر آن مرد از خانه بیرون رفت، حتماً باید موقع بازگشت، هدیه‌ای برای همسرش تهیه کند و ناراحتی قبلی را از دل او خارج سازد. زن نیز وظیفه دارد با رفتار نیکوی خود نسبت به شوهر و با زینت خود و خانه، مهیای شوهر داری شود و هنگام بازگشت شوهر به خانه، به استقبال او برود و هدیه‌ای به او تقدیم کند. این رفتار نیکو، از صبر و استقامت دوطرفه و دوجانبه ناشی می‌شود، ولی باید دانست که چنین خانه‌ای نورانی است و پروردگار عالم علاوه بر آنکه از آن خانه و اعضای آن راضی است، فرزندان صالح و شایسته به آن زن و مرد عطا می‌فرماید و در قیامت هم آنان را از حساب و کتاب و مؤاخذه عقاب برزخ و جهنم، معاف می‌فرماید (شریفی پیر جل، ۱۳۹۳: ۸۹).

۶.۳. آموزه توکل

در آموزه‌های قرآنی از ویژگی‌های اهل ایمان توکل است. در زندگی بهتر از پروردگاری که راه‌های سعادت را پیش روی انسان‌ها نهاده، کسی برای اعتماد کردن، وجود ندارد. توکل از ریشه وکالت به معنای سپردن کارهای خود به دست با کفایت خداوند دانا، توانا و خیرخواه می‌باشد. همان‌طور که انسان معمولاً در کارهای دنیوی برای خود وکیل انتخاب می‌کند و بسیاری از کارهای خود را به او واگذار می‌کند تا آثار و نتایج درخشان و سودمندی را در پی داشته باشد؛ شایسته است بنده خدا نیز در همه کارهای زندگی به خداوند تکیه کند و او را وکیل خود قرار دهد تا خواسته‌هایش بدون هیچ اضطراب و نگرانی تأمین گردد. خداوند پاک و منزه بهترین وکیل انسان است، زیرا او هرچه اراده کند آگاهانه و با قدرت انجام می‌دهد. بنابراین در توکل، انسان متوکل با چنین باورهایی نسبت به خداوند، رابطه

خاصی با او برقرار می‌کند. در این رابطه حضور خدا را در تمام حرکات و رفتار در نظر می‌گیرد. در تمام لحظات برای موفقیت خود از او یاری می‌خواهد و در کنار استفاده از اسباب و دلایل مادی و غیرمادی، دست یافتن به نتیجه را مشروط به خواست و مشیت الهی می‌داند (مرزبند و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۳-۸۴).

۶.۴. آموزه فقر و قناعت

در روایت است که فردی به نام ابراهیم کرخی به حضور امام صادق (ع) رسید و عرضه داشت: همسر موفق‌تری داشتم که از دنیا رفت و اینک قصد ازدواج دارم. حضرت فرمودند: ببین خود را کج‌ار قرار می‌دهی ... زنان سه دسته‌اند: زن زایای مهربان، که شوهر خود را در کار دنیا و آخرتش یاری می‌رساند و روزگار را بر او سخت نمی‌کند. زن نازا و بی‌بهره از زیبایی، که شوهرش را در امور خیر یاری نمی‌رساند و زن پر سر و صدا پا به در و عیب‌جو که زیاد را اندک می‌شمارد و کم را نمی‌پذیرد. از مجموع این روایات اهمیت انتخاب همسر قانع روشن می‌شود. فراز آخر روایت اخیر تصریح می‌کند، زنی که خدمات زیاد همسر را کم به‌شمار آورد و خدمات کم او را نپذیرد از جمله زنان شایسته برای گزینش به‌عنوان همسر نیست، ازدواج با او کم‌تر به آرامش و سازگاری منجر می‌شود. بنابراین مهم‌ترین اقدام در این جهت، انتخاب همسر قانع و قدرشناس است. در روایتی چنین آمده است: یک روز صبح علی (ع) به فاطمه (س) فرمود: آیا غذایی نزد تو هست که از آن تناول کنیم؟ حضرت فاطمه (س) گفت: قسم به آن کسی که پدرم را به نبوت و تو را به وصایت و خلافت گرامی داشت، چیزی نزد من نیست تا آن را در اختیار تو بگذارم. دو روز است که آنچه داشته‌ایم، به‌رغم نیاز خود و حسن و حسینم به دیگران داده‌ایم. پس علی (ع) فرمود: ای فاطمه، چرا مرا از این قضیه آگاه نکردی تا غذایی برایتان تهیه کنم؟ حضرت فاطمه (س) گفت: ای ابوالحسن، من از خدای خود حیا دارم که تو را بر کاری تکلیف کنم که بر آن قادر نیستی. بنابراین با توجه به این روایت نتیجه می‌شود که توجه به اهمیت قناعت در آرامش و آسایش زندگی از زمینه‌های انگیزه‌ساز برای رو آوردن به قناعت و برخورداری از آثار آن است. برای رسیدن به این مهم، اعطای بینش، اختیار و موعظه برای وصول به اصلاح نفس، عزت، برخورداری از زندگی شیرین و آسایش است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۵۵؛ کرمانی، ۱۳۶۶: ۲۱).

۷. عرفان در نگارگری اسلامی

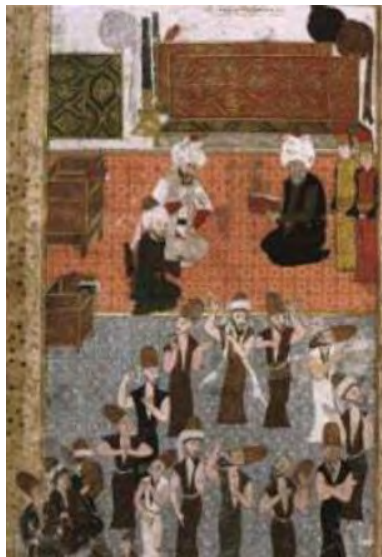
نگارگری اصیل ایران پیوستگی غیرقابل انکاری با ادبیات فارسی دارد. ارتباط عمیق با ادبیات فارسی سبب شده تا مفاهیم عرفانی به یکی از مضامین مهم در نگارگری اسلامی تبدیل شود. عرفان موجود در آثار ادیبان خوش‌ذوقی چون سعدی و حافظ از طریق نگارگران ماهر و آگاه وارد فضای نگارگری شده و به احتمال زیاد این امر به دلیلی آشنایی و علاقه‌مندی برخی نگارگران به عرفان اسلامی و اشراف آنان به ظرایف ادبی و هنری موجود در ادبیات فارسی است. به‌نظر می‌رسد در پس رنگ‌ها، فرم‌ها و ترکیبات نگارگری اصیل ایرانی-اسلامی، دنیایی از معرفت و اشارات عرفانی نهفته باشد و درک این نکته و ظرایف عرفانی و الهی در نگارگری هم با کمک ادبیات فارسی میسر باشد.

عارف کسی است که در نیل به حقیقت جهان نه بر عقل و استدلال بلکه بر سیر و سلوک و دریافت و مجاهده و اشراق متکی بوده و هدفش به‌جای درک و فهم حقایق، وصول اتحاد و فنا در حقیقت است. علاقه‌مندی و تلاش عرفا برای دعوت از دوستداران حضرت حق به این بزم الهی، باعث توسل ایشان به هنرهایی چون شعر و ادبیات شده است. از این راه بود که عارفانی چون عطار نیشابوری، سعدی، حافظ و جامی، معارف و مبانی عرفان اسلامی را انتشار داده و به گوش مخاطبان نشان رسانده‌اند. این مجموعه‌های عظیم شعر عرفانی بارها مورد استقبال نگارگران قرار گرفته است و به تصویر درآمده است (بابایی فلاح، ۱۳۹۱: ۸۱۰). تصویر شماره ۱ که معراج پیامبر را به تصویر کشیده است نمونه‌ای از این مضامین عارفانه است.

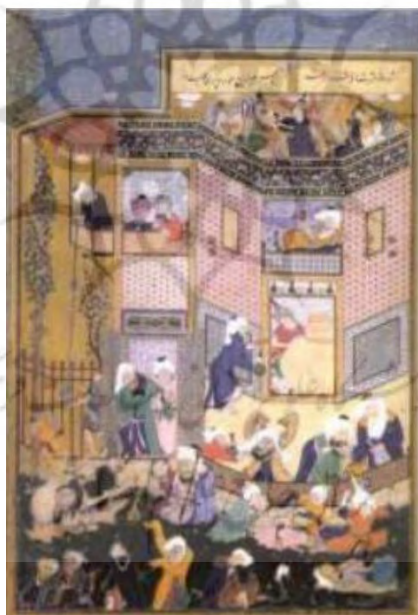


تصویر ۱. تصویر معراج پیامبر (ص). هفت اورنگ جامی. ۹۶۳ق. دوره صفوی. مکتب دوم تبریز.

از مضامین مهم و عام عرفانی مقام‌ها و منازل سلوک است. مقام‌های سلوک حاصل تأملات عرفا و کشف و شهود حقایق قرآنی و لطایف حکمی بر اثر مجاهدات سالک است. این مضامین عرفانی در دوران نگارگری ایرانی-اسلامی و به‌خصوص در اندیشه و عقاید حکام و وزرای اسلامی در دوره تیموری و صفوی بازتاب بسیاری داشته که به موجب آن کتبی با مضمون و روایات عرفانی کتاب‌آرایی و تزیین شده است (علی بابایی، قاضی‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۹). در تصویر شماره ۲ و ۳ که رقص عارفان را به‌عنوان مرحله‌ای از سلوک عرفانی به تصویر کشده است می‌توان نمودهای عرفانی را در نگارگری اسلامی مشاهده کرد.



تصویر ۲. تصویر جمع صوفیان در معبد قونیه ترکیه. نصرت‌نامه. سده ۱۶م. مکتب عثمانی. محل نگهداری: موزه توپ‌قاپی



تصویر ۳. سماع لاهوتی و ناسوتی. دیوان حافظ. دوره صفوی. مکتب تبریز. محل نگهداری: موزه بریتانیا

نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که آموزهٔ توکل بر عواطف و احساسات متوکل اثرگذار است؛ چراکه برای او امیدواری، آرامش و رضایت‌خاطر به دنبال دارد. بر این اساس، نهادینه کردن اخلاقیات به‌ویژه آموزه توکل توسط برنامه‌ریزان نظام سلامت در راستای مقابله با عوامل ویران‌کنندهٔ سلامت روان ضروری می‌باشد. آموزه‌ای که می‌تواند با تأمل در آیات و

روایات مرتبط، تامل در قدرت و عظمت الهی، درک حضور فراگیر او در عالم، مطالعه تاریخ و زندگی توکل‌کنندگان حقیقی در قلب انسان فرونشسته و اثرگذار گردد. در ارتباط با آموزه صبر و شکیبایی هم مثال روابط زن و شوهر در خانواده را آورده است که اشاره می‌کند با صبر کردن می‌تواند بسیاری از مشکلات را به راحتی حل کرد و حتی از کشمکش‌های خیلی بزرگ‌تر هم جلوگیری کرد. قناعت و فقر دو گزینه کاملاً مجزاست. فقر یعنی اینکه ذاتاً چیزی نداشته باشند ولی قناعت یعنی اینکه فرد در زندگی خود سعی می‌کند به دارایی‌های خود قانع باشد و در مصرف هزینه‌های زندگی خود قناعت کند تا بتواند با حداقل امکانات زندگی شاد و خانواده مستحکمی داشته باشد. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که عارفان معاصر و گذشته به اهمیت و نقش سازنده خانواده واقف بوده و به آن توجه داده‌اند. ثانیاً وظایف، احکام و آداب و اخلاق خانوادگی را در حد لازم و کافی از منابع دینی و اخلاقی و عرفانی فراگرفته و مهارت‌های لازم را کسب کرده‌اند. ثالثاً: خود به‌عنوان همسر و پدر به وظایف و اخلاقیات خانوادگی خود برای حفظ و تقویت و ارتقای سلامت جسمی و روحی خانواده اقدام می‌کردند. لذا اکثر قریب به اتفاق آن‌ها دارای همسران و فرزندان صالح و مفید بوده، از صفا و صمیمیت و آرامش و آسایش لازم بهره‌مند بوده‌اند. رابعاً: باتوجه به احساس مسئولیت در قبال مردم و جامعه در طول حیات خویش و در فرصت‌های مناسب افراد را نسبت به اخلاق خانوادگی و سبک زندگی اسلامی آگاه کرده و توجه داده‌اند و در سیره نظری و عملی خویش همه را به عوامل تحکیم خانواده، رعایت حقوق همسر، حقوق فرزندان، حقوق والدین و رعایت عفت و حجاب و ... سفارش کرده و مستقیم و غیرمستقیم پیام داده‌اند که رسیدن به کنالای دنیوی و اخروی و سلامت جسمی و روحی و ارتقا و بقای حیات انسانی و آسایش و آرامش با برخورداری از اخلاق نیک و شایسته در خانه و خانواده میسر و ممکن می‌گردد. عرفان به‌عنوان یکی از عوامل پویایی زندگی فردی و اجتماعی در هنرهای اسلامی نیز به‌عنوان یک مضمون اصلی نمود واضحی داشته است. در این میان، هنر نگارگری به علت نزدیکی که با متون ادبی عرفانی دارد یکی از جلوه‌گاه‌های عرفان است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

کتابها

قرآن کریم

- العبادی، قطب‌الدین. (۱۳۴۷). التصفیه فی الاحوال الصوفیه، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- القشیری، زین‌الاسلام استاد ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۹۱). ترجمه رساله قشیریه، ترجمه: ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۷۹). شرح منازل السائرین، مترجم: عبدالرزاق کاشانی، چ دوم، تهران: الزهراء.
- تبریزی، فانی. (۱۳۹۳). دلدادگان توحید، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- خامنه‌ای، محمد. (۱۳۸۸). «حکمت متعالیه و تدبیر خانواده به‌همراه ملاصدرا و مکتب شیراز (مجموعه مقالات یازدهمین و دوازدهمین همایش بزرگداشت حکیم صدرالمتهین شیرازی)»، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- سهروردی، شهاب‌الدین ابوحفص. (۱۳۷۵). عوارف‌المعارف، مترجم: ابومنصور اصفهانی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
- غزالی، محمد. (۱۳۶۵). منهاج‌العابدین الی جنته رب‌العالمین، ترجمه عمر بن عبدالجبار و سعدی سلوی، به تصحیح احمد شریعتی، تهران: امیرکبیر.
- غزالی، ابوحامدمحمد. (۱۳۸۶). احیاء علوم‌الدین، مترجم: مؤیدالدین خوارزمی، محقق و مصحح حسین خدیوچم، تهران: علمی و فرهنگی.
- فیض کاشانی، ملامحمد محسن. (۱۳۷۱). دیوان، انتشارات اسوه، شرح و مقدمه، مصطفی فیضی کاشانی، تهران: نور.
- کاشانی، عزالدین محمود. (بی‌تا). مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، تهران: هما.
- کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید. (۱۳۸۰). ترجمه فاضل‌خان‌همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران: انتشارات اساطیر.
- کرمانی، اوحدالدین. (۱۳۶۶). دیوان رباعیات، تصحیح احمد ابومحجوب، با مقدمه‌ای از محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: سروش.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار، ج ۱۰۰، بیروت: دارالاحیاء.
- محمدبن‌منور. (۱۳۸۶). اسرارالتوحید فی مقامات ابوسعید، مصحح شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.

مطهری، مرتضی. (۱۳۳۶). نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات حکمت.

هجویری، عثمان بن‌علی. (۱۳۷۵). کشف‌المحجوب، محقق و مصحح ژو کوفسکی/النتین آکس یربیچ، تهران: طهوری.

یثربی، یحیی. (۱۳۶۶). فلسفه عرفان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مقالات

بابایی فلاح، هادی. (۱۳۹۱). «نقش واسطه‌ای ادبیات فارسی بین عرفان و نگارگری اسلامی». کنگره پیشگامان پیشرفت.

رودگر، محمدجواد. (۱۳۹۶). «ماهیت و مؤلفه‌های اخلاق عرفانی»، فصلنامه علمی و پژوهشی حکمت اسلامی، شماره چهارم، ۲۰۲-۱۷۷.

جوانی، حجت‌الله. (۱۳۸۹). «تأثیر آموزه‌های عرفانی اسلامی بر نهاد خانواده»، دو فصلنامه تخصصی اسلام‌پژوهی، شماره چهارم، ۱۰۹-۸۵.

فرزند وحی، جمال؛ احمدی، فاطمه. (۱۳۹۲). «جایگاه حقوق و اخلاق در خانواده از منظر قرآن و روایات»، فصلنامه سراج منیر، شماره ۱۰، ۱۰۰.

عارف‌زاده، الیاس. (۱۳۹۲). «شیوه‌های سلوک در عرفان شیعی»، پژوهشنامه عرفان، دوره ۶، شماره ۱۱، ۱۳۲-۱۱۰.

علی بابایی، گلنار؛ قاضی‌زاده، خشایار. (۱۴۰۱). «مقامات سلوک در عرفان اسلامی و تجلی آن در دو نگاره سماع صوفیان و مستی لاهوتی و ناسوتی». نگره. ش ۶۲، ۳۸-۱۹.

مرزبند، رحمت‌الله؛ زکوی، علی‌اصغر و حسینی کارنامی، سید حسین. (۱۳۹۴). «نقش توکل در سلامت روانی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی»، دین و سلامت، دوره سوم، شماره اول، ۸۲-۷۳.

هوشنگی، لیلا؛ خادمی، سمیه. (۱۳۹۳). «عرفای مسلمان و مسئله تأهل و مجرد سالک»، پژوهشنامه عرفان، دوره ۶، شماره ۱۴، ۳۶.

پایان‌نامه‌ها

شریفی پیرجل، سعیده. (۱۳۹۳). «خانواده و آموزه‌های عرفان اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.